

بودن و نبودنت



Lisa



Lisa



بودنت
بودنت
بودنت



کتابخانه
تاکرومان

دلسردار سیمج که حال ما نداریم ..





شناسنامه کتاب:

دسته بندی: دلیوشته

نام اثر: بودن و نبودن

نام نویسنده: LISA

ژانر:

ویراستار: GOLNAZ

کیبست: SARISA.

این کتاب در سایت تک رمان آماده شده است

www.taakroman.ir

نام دنلوشته: بودن و نبودن

نام نویسنده Lisa :

ویراستار Golnaz :

مقدمه:

دلَم به قدری گرفته که باز هم هوایت را کرده!

هر چقدر سعی کردم فراموش شوی، نشد که نشد!

دلی داشتیم که حال، نداریم.

دلَم گرفته همانند کودکی که آبنباتش را از او گرفته‌اند و او با سرتقی و لجبازی،
می‌خواهد همه‌جوره آن را پس بگیرد!
من هم همین‌طور هستم فقط با فرق این که آن نمی‌خواهد برگردد!

بودن یک درد،

نبودن هزاران دردِ خفته؛

اگر خودت توانستی بدونش تاب بیاوری آن وقت بیا من را نصیحت کن جانِ دلَم!

گاهی آدم یک قول‌هایی می‌ده که نمی‌تونه پایبندش باشه مثل:

موندنت و بودنِ تو؛

ولی خب، من می‌مونم منتظرت، با این که می‌دونم تو دیگه مالِ من نیستی!

اون قدر عاشقت بودم که کور و کر شدم!

اون قدر عاشقت بودم که نفهمیدم بودنت برا همه‌ست!

اون قدر عاشقت بودم که رفتارهام عجیب شده بود!

اون قدر. ...

اون قدر عاشقت بودم که کور و کر شدم!

اون قدر عاشقت بودم که نفهمیدم بودنت برا همه‌ست!

اون قدر عاشقت بودم که رفتارهام عجیب شده بود!

اون قدر. ...

دلَم! مگه نمی‌بینی چه‌طور ریز ریز شدی؟!

چه‌طور خُردت کرد؟ چه‌طور به‌خاطر یه خوشگل‌تر رفت؟

صبر داشته باش!

دلَم! نکنه دیگه نمی خوام یاری م کنی؟

نگو که تو این آشوب بازار می ذاری و میری!

دلَم! مگه نمی بینی چه طور ریز ریز شدی؟!

چه طور خُردت کرد؟ چه طور به خاطر یه خوشگل تر رفت؟

صبر داشته باش!

دلَم! نکنه دیگه نمی خوام یاری م کنی؟

نگو که تو این آشوب بازار می ذاری و میری!

اما خب، کاش دل هم کمی حرف حساب حالی ش میشد!

دِ آخه دل ناحسابی بین بهت کاری نداره!

بین واسش مهم نیستی!

بین اون دلش برای تو تنگ نیست!

دِ بین لامصب!

کاش همه مون این منطق رو داشتیم که وقتی دیدیم یکی لیاقت مون رو نداره؛

لیاقتِ محبت، عشق و خوبی مون رو نداره بی خیالش شیم!

نه این که باز باهاش حرف بزنی و باز اون بابی رحمی به سرد بودنش ادامه بده.

کاش یه زمانی برسه که بدونه؛ وقتی داره با رفیقاش خوش می‌گذرونه یه دلی تنگشه!

نگرانسه، منتظر یه پیام کوتاهه! یه پیام خیلی خیلی کوتاه در حد یه کلمه! به خدا یه

کلمه هم یه کلمه‌ست!

ولی خب، دلِ اون با دلِ من که نیست!

افسوس... ..

دلِ آغوشت رو می‌خواد!

دلِ بودنت رو می‌خواد!

دلِ تو رو می‌خواد!

توئه نامرد رو!

تویی که اعتراف کردی به دوست داشتنم اما پاپس کشیدی!

میگن فاصله عشق و نفرت یه موئه؛ ولی خب، من دیوونه هر روز لیلی تر میشم و تو

بی خیال عالم زندگیت رو می‌کنی.

عیب نداره عشقم!

خوش باش فقط کاش عاشق نشی!

اگه شدی هم مثل من نشی!



دلَم آغوشت رو می خواد!

دلَم بودندت رو می خواد!

دلَم تو رو می خواد!

توئه نامرد رو!

تویی که اعتراف کردی به دوست داشتتم اما پاپس کشیدی!

میگن فاصله عشق و نفرت یه موئه؛ ولی خب، من دیوونه هر روز لیلی تر میشم و تو بی خیال عالم زندگیت رو می کنی.

عیب نداره عشقم!

خوش باش فقط کاش عاشق نشی!

اگه شدی هم مثل من نشی!

تو دیگه نمیای!

می دونم ها! کاملاً می دونم که دلت رو بریدی و رفتی؛ ولی خب، کاش به حرفام و دردودل هام گوش می دادی تا به اینجا، نرسیم.

البته نرسیم؛ وگرنه تو که... ..

به قول خواننده " دل من هوات رو کرده!"

می دونی یعنی چی؟

می دونی من این جمله رو با تمام وجودم درک می کنم؟!

می دونی؟ نه! خوب نمی دونی. تقصیر خودت هم نیست که نمی دونی و نمی فهمی!

می دونی چرا؟

چون خودت نمی خوای بفهمی عزیز من!

نمی خوای بفهمی که دل می بَری.

به قولِ یه بندهء خدایی، رفتارِ تو جورِی بود که من اشتباه معنا کنم؛

ولی خب، تو خیلی راحت زدی به کوچه علی چپ و رفتی. ...

عیب نداره همین که حالت خوب باشه، من عالی م.

وقتی تو خیابون راه میرم، دو عاشق می بینم،

دلَم بودندت رو می خواد! که بیایی و ما هم کنار هم راه بریم.

بودنت خیلی قشنگه ها!

می دونی؟

اون قدر قشنگ که نمی دونم به چی تشبیهش کنم؛

ولی، تو قدر بودندت رو به هیچ کسی جز من نده.

این یه خواهش نیست‌ها!

یه دستوره! البته اگه گوش بدی.

کنارم هستی؛ ولی، مالِ من نیستی!

باهام حرف می‌زنی؛ ولی نه به‌عنوان دو عاشق،

به‌عنوان دو تا دوست!

لعنتی تمومش کن! تو که نمی‌دونی این‌طور من به چه اندازه عذاب می‌کشم.

ولی خب قشنگه که هنوز بهم اعتماد داری هرچند که به‌عنوان یک دوست، باز قشنگه و

من به همین راضی‌م!

دلت از همون اول هم با من نبود؛ ولی خب، من خواستم تلاش کنم که مالِ من بشه و

نشد!

یه صحبت کوتاه:

دوستان! می‌دونم خیلی قلمم خوب نیست و همین‌طور اولین کار بنده‌ست و من نویسنده

خوبی نیستم؛ ولی خب، یه حرفایی بود که دوست داشتم بنویسم و گرنه غمباد میشد و

می‌ترکیدم. ممنون که وقت گذاشتید و خوندید.

پایان

این فایل در تک رمان تایپ و منتشر شده است و هرگونه کپی برداری پیگرد قانونی دارد.

برای تایپ و منتشر کرد آثار های خود به لینک زیر مراجعه کنید:

forum.taakroman.ir

